

Investigating the violation of fair trial in the Pahlavi imperial system

Ali Gholami*

Received: 2016/12/18

Mohammad Adami**

Accepted: 2017/02/05

Principles of the fair trial include topics such as the principle of innocence, protection of privacy, availability of defense rights, documented by law, prohibition of torture, the right to appeal, public hearings, etc. The solution for judicial justice, which is a significant branch of social justice, is the protection of the principles of a fair trial. In this study, the authors defined this concept, by examining the basic concepts related to the principles of a fair trial and considering the development of laws, especially criminal law. The analytical descriptive method was used to answer the question: to what extent fair trial principles have been violated or preserved in the Pahlavi regime. The results of this article show that most of the laws have followed the standards of fair trial, but despite the military courts and ceremonial courts and the lack of observance of the rules of procedure for political prisoners, in the Pahlavi regime, fair trial has been severely violated. The reason for addressing this issue was the unique condition of Iran during the Pahlavi regime, especially the socio-political developments of that time and the significant role of the judiciary in people's lives. Many studies considered principles of the criminal procedures and their dimensions; however, this issue has not been investigated in the Pahlavi regime.

Keywords: fair trial, torture, distortion, Pahlavi regime, human rights violations.

* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

1355gholami@gmail.com

** Masters student in Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Mohammad.adami123@gmail.com

بررسی نقض دادرسی منصفانه در نظام شاهنشاهی پهلوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷

علی غلامی*

محمد آدمی**

چکیده

اصول دادرسی منصفانه شامل عناوینی نظیر اصل برائت، حفظ حریم خصوصی، بهره‌مندی از حقوق دفاعی، مستند بودن به قانون، منع و عدم شکنجه، حق تجدیدنظرخواهی، رسیدگی علنی و... است، کامل‌ترین راهکار برای عدالت قضائی به عنوان اصلی‌ترین فرع عدالت اجتماعی، رعایت اصول دادرسی منصفانه است. در این پژوهش نگارندگان با بررسی مفاهیم مبنایی مرتبط با اصول دادرسی منصفانه تلاش کرده‌اند، به تعریفی جامعی از این مفهوم اشاره نمایند و سیر تدوین و تحول قوانین مختلف خصوصاً قوانین جزایی را مورد توجه قرار دهند. نگارندگان با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال هستند که تا چه میزان اصول دادرسی منصفانه در رژیم پهلوی نقض یا رعایت گردیده است؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد عمده قوانین از موازین دادرسی منصفانه تبعیت نموده‌اند، البته با وجود دادگاه‌های نظامی و محاکم تشریفاتی و عدم رعایت اصول آیین دادرسی نسبت به زندانیان سیاسی، در رژیم پهلوی دادرسی منصفانه به شدت تضییع شده است. علت پرداختن به این موضوع در این بازه زمانی، شرایط، منحصر به فرد ایران در زمان حاکمیت رژیم پهلوی خصوصاً تحولات سیاسی - اجتماعی آن روزگار و نیز نقش ویژه نظام قضائی در زندگی مردم بوده است. در پژوهش‌های متعدد درباره اصول دادرسی منصفانه و ابعاد آن تحقیق به عمل آمده است اما از لحاظ بررسی رعایت این اصول در رژیم پهلوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: دادرسی منصفانه، شکنجه، تحریف، رژیم پهلوی، نقض حقوق بشر.

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

1355gholami@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Mohammad.adami123@gmail.com

مقدمه

دادرسی منصفانه، به عنوان رعایت موازینی که بردارنده حقوق طرفین دعوی است اصلی‌ترین عامل برای دستیابی به آزادی‌های اجتماعی و جلوگیری از نقض عدالت و انصاف در رسیدگی‌های قضائی است. این مفهوم که از آغاز زندگی اجتماعی انسان‌ها و با شروع تعاملات وسیع افراد یک جامعه با یکدیگر اهمیت بیشتری پیدا کرد، به مرور زمان در مناسبات قضائی و حقوقی به عنوان یک اصل اساسی وارد شد. با شکل‌گیری تمدن‌های نوین، و در پی آن محاکمات و رسیدگی‌های رسمی قضائی این اصول شکل متفاوت‌تری به خود گرفت. ادیان مختلف به خصوص اسلام همواره، پرچم‌دار مسیر عدل و انصاف بوده‌اند. دین اسلام همواره منادی اصول اساسی دادرسی منصفانه همچون بی‌طرفی قاضی، اصل برائت، عدم شکنجه و... بوده است. اثر توجه به این اصول را در تمامی مفاهیم اسلامی می‌توان مشاهده نمود. در طول تاریخ دولت‌های اقتدارگرا و سرکوب‌گر همواره در پی این بوده‌اند، که به هر طریقی اسباب بقای حاکمیت خود و تضمین منافعشان را تأمین نمایند. و هر گونه اعتراض و انتقادی را با شدیدترین واکنش‌ها پاسخ می‌دادند، چرا که رکن اصلی بقا و ادامه حاکمیت خود را در سرکوب‌خشن و نقض حقوق بنیادین می‌دانستند و همواره فروپاشی این نوع از سیستم‌های حاکمیتی ریشه در ضعف جبهه حاکم داشته است تا قوت جبهه مقابل. نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بررسی اثرات اصلی این نوع از رفتار و سرکوب‌های خشن بوده است. در پژوهش‌های تاریخی، نگارندگان عمدتاً به وقایع رخ داده و سلسله تحولات می‌پردازند و کمتر اثرات رفتار حاکمیت را مورد توجه قرار می‌دهند و در پژوهش‌های حقوقی عمدتاً ابعاد حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از سؤالات اصلی در این بحث این است که چرا حاکمیت‌های مختلف بیشترین نمود خشنونت و سرکوب را در عدلیه و سیستم قضائی اجرایی می‌کنند؟ و این اجرایی‌سازی خشنونت بیشترین تأثیر را در کدام ساحت قضائی برجای می‌گذارد؟ و چرا با وجود قوانین غنی از اصول دادرسی منصفانه همچنان میزان عملکرد به این موازین در سطح پایینی قرار می‌گیرد؟ اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در بحث اصول دادرسی منصفانه، به پیشینه، تعاریف، مصادیق و خلأهای قانونی در این موضوع پرداخته‌اند و کمتر ابعاد این مسئله را در عملکرد حاکمیت‌های مختلف مورد بررسی

قرار داده‌اند. علت پرداختن به این مسئله در سیستم قضائی رژیم پهلوی توجه به فرمان رهبر معظم انقلاب در مقابله با جریان تحریف بوده است، چرا که همچنان برخی با آدرس‌های غلط رژیم پهلوی را مهد آزادی و رعایت حقوق اشخاص در بین حاکمیت‌های مختلف ایران می‌دانند در حالی که در این پژوهش با بررسی عملکرد نهادهای مختلف اجرایی، قضائی، انتظامی و دادگاه‌های رژیم پهلوی. عملاً، این رژیم یکی از ضعیف‌ترین عملکردها را در بحث اصول دادرسی منصفانه داشته است، و بارها به بدترین شکل ممکن توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری متهم به نقض آزادی و امنیت انسان‌ها شده است.

در این پژوهش، ضمن بررسی مفاهیم و ابعاد مختلف اصول دادرسی منصفانه، به خاستگاه و مبانی این اصول در متون دینی و منابع قانونی نیز توجه شده است. در بحث منابع قانونی در دو محور حقوق داخلی و بین‌الملل این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است، که در ادامه با توجه به عملکرد اجرایی جهت اعمال این اصول، میزان رعایت یا نقض این موازین در دوره حاکمیت پهلوی ارزیابی گشته است، و از منظر استانداردهای جهانی، محکومیت‌های مختلف حقوق بشری این رژیم توسط نهادهای بین‌المللی نیز، مورد توجه قرار گرفته است.

۱. دادرسی منصفانه، اصول و جایگاه آن

مهم‌ترین هدف در رسیدگی کیفی و دادرسی جزایی، اجرای عدالت کیفی است همان‌طوری که در آموزه‌های دینی از عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین رسالت پیامبران یاد گردیده است (حدید / آیه ۲۵)، در حقوق اسلام (شریعت) عدالت یک اصل کلی است. اصلی که احکام باید با آن سنجیده شود. نباید عدالت را با مقیاس احکام و مقررات فرعی سنجید، بلکه عدالت خود سنجه‌ای است برای درک و فهم درست و ارزیابی صحیح احکام (فضائلی، ۱۳۸۷، ص. ۴). «نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید» (مطهری، ۱۳۵۱، ص. ۱۴). اصلی‌ترین مجری برای اجرایی‌سازی ابعاد این رسالت، عدالت قضائی و در ذیل آن دادرسی منصفانه است. این مفهوم به عنوان یک مسیر اصلی در اجرا و سیاست‌گذاری قضائی - حقوقی، دارای مبانی است. یکی از مبانی اصلی آن کرامت انسانی است.

کرامت انسانی مبنایی‌ترین قاعده‌ای است که حقوق انسانی مبتنی بر آن قابل تحلیل هستند و پذیرش عملی آن منتج به غیرقابل سلب نمودن بخش عمده از حقوق و آزادی‌های شهروندی می‌گردد (غمامی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۲).

عدالت یکی دیگر از مبانی این مفهوم است و مهم‌ترین مبانی حقوقی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶). شناسایی اصول دادرسی از جمله اصل برائت، تظلم‌خواهی، دسترسی به داور بی‌طرف و رعایت مساوات میان طرفین اختلاف از جمله اصولی است که عدالت وجود آنها را اقتضا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص. ۱۹۹).

۱-۱. مفهوم‌شناسی دادرسی منصفانه و اصول آن

دادرسی به عنوان مسیر اصلی رسیدگی منجر به دادخواهی دادخواه می‌گردد. حقوقدانان اسلام مشهورترین معنی قضا که همان دادرسی است را انتخاب و به‌کار برده‌اند و تعاریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۱۰۶). قضا در اصطلاح به دو گونه تعریف شده است، تعریف اول که با عبارت‌هایی مشابه از سوی فقهای چون: شهید اول و صاحب ریاض ارائه گردیده است. قضاوت ولایت شرعی است که مقتضی نفوذ حکم بر طرفین دعوی و تسلط بر مصالح عام می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). در تعریفی دیگر رسیدگی عبارت است از اعمال نظر مرجع قضائی در زمینه حل مجهول قضائی در حدود قوانین و مقررات (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص. ۳۶۶) و همچنین دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه‌حل قضائی به‌کار رفته و همچنین مجموعه مقرراتی است که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به‌کار برده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص. ۲۸۰).

برای بررسی دقیق‌تر مفهوم رفتار منصفانه و همچنین تعریف، تبیین و مصادیق آن باید به مفهوم انصاف به عنوان ریشه نظری این مهم، پرداخت. مفهوم انصاف که قدیمی‌ترین تعریف آن به ارسطو باز می‌گردد و از آن به عنوان تعدیل‌کننده قانون یاد می‌کند (Judica, 2013, p. 39). در نوشته‌های افلاطون موضوع انصاف به نقض در قوانین و در هنر سیاست مربوط می‌شود (Falcon, 2008, p. 7). انصاف در اسلام نه فقط یک مذهب، بلکه یک نظام سیاسی برای اجتماع جهانی می‌باشد که دو واژه مترادف اسلامی آن عدل و

دیگری انصاف است (Falcon, 2008, p. 8). انصاف در معنای خاص به معنای «اصل برابری سلاح‌ها» است (پرادل، ۱۳۹۳، ص. ۵۳۷). از منظر حقوقی کاربرد اولیه این مفهوم، توسط حقوقدانان رومی ژرمنی بوده است که تا حد زیادی ریشه در تعریف ارسطو دارد (Chroust, 1942, p. 120). انصاف مجموعه‌ای از اصول است که ارزش‌های یک نظام حقوقی را تشکیل می‌دهد (Srivastava, 2014, p. 1). مفهوم رفتار منصفانه به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» و در ادبیات قضائی و لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوی به‌کار برده شده است (فضائلی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰).

۱-۱-۱. تبیین دادرسی منصفانه

بهترین و عادلانه‌ترین راه‌حل در دعاوی از مسیر یک دادرسی منصفانه با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین، در دادگاهی مستقل و بی‌طرف حاصل می‌گردد. اعتبار دستگاه قضائی و دادگستری و اعتماد طرفین دعوی و عموم نسبت به آن نیز بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی خواهد داشت (یاوری، ۱۳۸۳، ص. ۱). برای دادرسی منصفانه با توجه به نوع نگاهی که افراد و مکاتب مختلف نسبت به این مفهوم دارند، تعاریف متعددی وجود دارد. در تعریفی این اصول به مجموعه‌ای از مقررات که تضمین‌کننده حقوق متهم است گفته می‌شود. در تعریفی کامل‌تر «اصول دادرسی منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضائی پیش‌بینی شده است» (بهادری جهرمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۹).

۱-۱-۲. اصول دادرسی منصفانه

رعایت انصاف در دادرسی مستلزم ایجاد مسیری برای اعمال و دستیابی به هدف مد نظر است. این مسیر دارای، مصادیقی مشخص است که با تبیین دقیق و صحیح این موارد، می‌توان مسیر پایبندی و الزام به آنان را نیز هموارتر ساخت. این اصول هر کدام متناسب

- با رعایت حقوق طرفین، دارای تعاریفی هستند، که در ذیل به آنها اشاره شده است.
- الف) علنی بودن رسیدگی:** علنی بودن رسیدگی‌ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم، در فرایند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرایند دادرسی است (بهادری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷).
- ب) منع شکنجه:** شکنجه در لغت به معنای هر گونه رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذاء است. منع شکنجه به عنوان قاعده‌ای مطلق شناخته شده که هیچ وضعیت استثنایی و فوق‌العاده‌ای نمی‌تواند موجب تجویز آن شود (مهرپور، ۱۳۷۲، ص. ۹۷).
- ج) امکان دسترسی به وکیل:** در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند، داشتن وکیل مدافع تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم است (داداش‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱).
- د) اصل برائت:** بی‌گناهی، از آنچه قانون‌گذار جرم دانسته، و فرد نسبت به آن به هر شکلی و در چهارچوب هر رویه‌ای متهم شده است (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۱).
- ه) عدم برگزاری دادگاه‌های نظامی:** محاکم نظامی یکی از نمودهای دادرسی‌های اختصاصی کیفری هستند (آقایی کماکلی، ۱۳۹۸، ص. ۲) و عموم محاکمات نباید در دادگاه‌های نظامی رسیدگی شوند.
- و) نقض آزادی بیان:** آزادی بیان، آزادی ابراز و برملا کردن عقاید و افکار برای دیگران از راه وسایلی همچون سخن گفتن، رسانه، مطبوعات، آموزش و... است (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۲).
- ز) امکان تجدیدنظر و فرجام‌خواهی:** بر این اساس در هر نوع دادرسی، هر کسی که محکوم می‌شود باید حق داشته باشد که محکومیت وی در دادگاه بالاتر مطابق قانون بازنگری شود (سالاری و تاج‌الدینی، ۱۳۹۵، ص. ۳).
- ح) مستند بودن به قانون:** به معنای یافتن حکم قانون، و حکم دادن بر مبنای آن است (ویژه و کتابی رودی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۰).
- ط) استقلال و بی‌طرفی قضات:** استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و بی‌طرفی به معنای عدم پیش‌داوری، یا جانبداری از یک طرف

دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۹۲).
ی) اصل تقابل یا تناظر: مطابق این اصل باید طرفین نزاع و اختلاف در موقعیتی قرار گیرند، که فرصت و امکان طرح آزادانه ادعاها و استدلال‌های خود را داشته باشند (شمس، ۱۳۸۱، ص. ۶۳).

۲-۱. دادرسی منصفانه در حقوق داخلی و بین‌الملل

رعایت اصول دادرسی منصفانه در حقوق داخل ریشه‌ای کهن دارد. به عنوان مثال در قانون حمورابی عواملی نظیر داشتن حق دفاع از سوی متهم، مجازات رشوه گرفتن قاضی، رعایت انصاف و... مورد توجه قرار گرفته است (یساوری، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۵). در قوانین داخلی خاستگاه اصول منصفانه دادرسی، مفاهیم و منابع دینی اسلام است. مفاد زیادی از اعلامیه‌های جهانی و منطق‌های حقوق بشر دارای موازینی در ارتباط با اصول دادرسی منصفانه می‌باشد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۵).

۱-۲-۱. حقوق داخلی

با نگاه به اصول دادرسی منصفانه در قوانین داخلی، مفاهیم و منابع اسلامی به عنوان پایه فکری و نظری آن قابل بررسی است. سیره نبوی به عنوان یکی از محورهای اصلی شناخت این اصول در فهم اسلامی محسوب می‌شود. علاوه بر سیره نبوی، قضاوت‌های امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و بازه زمانی حاکمیت ایشان نیز یکی از اصلی‌ترین منابع مطالعه رعایت اصول عدل و انصاف در حوزه اجرایی و قضائی است. به عنوان مثال در سیره و روش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بر اساس قضاوت‌های متعددی که از ایشان در تاریخ دادرسی اسلام به ثبت رسیده است، هرگز از اعمال اذیت و آزار جسمی و روحی متهمان برای اخذ اقرار یا اطلاع و یا به بهانه کشف حقیقت اثری مشاهده نمی‌شود (بلاغی، ۱۳۵۸، ص. ۳۱۱). با بررسی قوانین داخلی و سیر تاریخی آن مشاهده می‌کنیم که در عمده قوانین به رعایت اصول دادرسی منصفانه تأکید شده است. در برخی از قوانین نیز شاهد نقض این اصول هستیم.

اولین قانونی که در حوزه حقوق جزایی به تصویب رسید، «قانون اصول محاکمات جزایی» است که با ۵۰۱ ماده و یک تبصره در سال ۱۲۹۰ شمسی تصویب شد. این

قانون در سال ۱۳۱۸، به قانون آئین دادرسی کیفری تغییر نام داد. یکی از مواردی که در این قانون در جهت رعایت اصول دادرسی منصفانه به چشم می‌خورد رعایت اصل دو درجه‌ای بودن مجازات است، که در این قانون تحت عنوان محکمه استیناف و محکمه ثانویه مورد اشاره قرار گرفته است. در قانون اصول محاکمات جزائی مصوب ۱۲۹۰ به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، وکیل مدافع در این مرحله از جریان تحقیقات دور نگه‌داشته شده بود ولی در سال ۱۳۳۵ که قانون فوق اصلاح شد، امکان حضور وکیل در کنار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی بدون اینکه مشارالیه حق مداخله داشته باشد، پیش‌بینی شد. البته وکیل مدافع در این مرحله می‌توانست پس از خاتمه بازجویی مطالبی را برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم و یا اجرای قوانین به بازپرس تذکر دهد (قربان‌پور، ۱۳۸۲، ص. ۶). قانون بعدی، «قانون کیفر همگانی یا قانون مجازات عمومی» که با ۲۰۸ ماده در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید. از موارد رعایت این اصول، دسترسی به دادگاه صالح و مستقل است (ماده ۱). اصل قانونی بودن جرم و مجازات از دیگر موارد اصول مهم در دادرسی منصفانه است، که در این قانون نیز مورد اشاره قرار گرفته است (ماده ۲).

قانون دیگری که در بررسی رعایت اصول منصفانه به عنوان یک قانون جامع‌تر قابل بررسی است قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲ است. این قانون در کنار قوانین دیگری که این سال‌ها نظیر «قانون اقدامات تأمینی و تربیتی» مصوب سال ۱۳۳۹ و «قانون تشکیل اطفال بزه‌کار» مصوب سال ۱۳۳۸ به تصویب رسیده بودند از اهمیت بیشتری برخوردار بود. مستند بودن به قانون، رعایت حقوق دفاعی متهم از جمله موارد رعایت اصول دادرسی منصفانه مورد اشاره در این قانون است.

یکی از قوانینی که در بحث نقض اصول دادرسی منصفانه محل بحث و تأمل بسیاری دارد قانون حکومت نظامی مصوب ۱۲۹۰ است. قانون‌گذار در این قانون با سلب آزادی‌های شهروندی عملاً اصول دادرسی منصفانه را نقض و محدود می‌کند. در ماده ۴ این قانون، قانون‌گذار هر گونه اقدام و عملی که بر ضد دولت مشروطه، امنیت، آسایش عمومی، اقدام و خیانت تلقی گردد، مستحق قتل دانسته است و در این ماده اولین مرحله برخورد با خاطی را قتل نفس وی می‌داند. یکی دیگر از موارد نقض در این قانون، نقض اصل برائت است. در ماده ۵ این قانون اجازه توقیف یک فرد به

محض سوءظن، به نیروهای انتظامی داده شده است. نقض حریم خصوصی در قالب ورود به منازل ولو قهرا و با زور و از دیگر موارد نقض است که در ماده هفتم مورد اشاره قرار گرفته است. نقض آزادی بیان نیز به عنوان مورد بعدی نقض دادرسی منصفانه است که در این قانون مشاهده می‌شود. در ماده هشتم این قانون هر گونه روزنامه و جرایدی که بر ضد دولت مطلبی منتشر کند توقیف می‌گردد. بند دوم قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات به عنوان موردی که به رعایت اصول دادرسی منصفانه اشاره داشته است، قابل توجه می‌باشد: ماده ۵۲ لایحه فوق دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی وی قائل شده است:

۱- ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت‌های وابسته به آنها،

۲- ممنوعیت انتشار مجله سیاسی و حزبی.

۱-۲-۲. دادرسی منصفانه در حقوق بین‌الملل

از لحاظ تاریخی، نظام دادرسی اتهامی اولین و قدیمی‌ترین شیوه دادرسی کیفری به شمار می‌آید (شمس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۱۱۸). نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل صادر گردید. در موادی از این اعلامیه نظیر (ماده ۱۰) درباره اصولی چون تساوی حقوق افراد، استقلال و بی‌طرفی دادگاه و رسیدگی علنی سخن به میان آمده است. از اسناد بین‌المللی منطقه‌ای که موارد و اصول دادرسی منصفانه را مورد توجه قرار داده‌اند می‌توان به ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۵، ۶) (مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۵) اشاره کرد. برخی اسناد دیگر از جمله اصول بنیادین استقلال قضائی مصوب ۱۹۸۵، اصول بنیادین رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۰، اصول نیز اصول دادرسی عادلانه را مورد تأکید قرار داده‌اند (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۱۲).

۲. عملکرد رژیم پهلوی در ترازوی دادرسی منصفانه

خاستگاه اصلی نقض اصول دادرسی منصفانه به ساختارهای اجرایی باز می‌گردد. با بررسی تاریخی مصادیق نقض این اصول درمی‌یابیم که اصلی‌ترین دوره از جهت

رعایت نکردن این اصول، نظام شاهنشاهی پهلوی است. رضاخان با رسیدن به سلطنت، آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی را زیر پا گذاشت و بساط پلیس سیاسی را در سراسر کشور گسترش داد. حکومت پهلوی از همان آغاز، به صورت ترور سازمان یافته، و ضددموکراتیک عرض اندام کرد. شهربانی پایه کار خود را بر زیرپا نهادن قانون، جنایت، تفتیش عقاید و سلب امنیت مردم گذاشت. در داخل شهربانی، پلیس سیاسی را ایجاد کرد. احسان طبری جو اختناق آن زمان را چنین توصیف کرده است: «بیم و هراس و بی‌اعتمادی چنان بر روحیه مردم مسلط شد که در خانه‌های خود از ترس جاسوسان شهربانی جرئت حرف زدن نداشتند؛ رؤسای شهربانی در تمام کشور هر کدام یک دیکتاتور مطلق و همه‌کاره بودند (سردارآبادی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۵). بسیاری از اصول دادرسی منصفانه به عنوان عنصر اصلی عدالت در فرایند رسیدگی، در زمان پهلوی اول و دوم در سیستم قضائی به شدیدترین شکل ممکن نقض می‌شدند.

پلیس سیاسی به شکنجه، ترور، اعدام‌های بدون محاکمه، مسموم کردن، خفه کردن، تزریق آمپول هوا و کشتن با میکروب تیفوس دست می‌زد. «وقتی زندانیان جان‌سخت از شر این فشارها، جانی بدر می‌بردند و به عرض شاه می‌رساندند، [شاه] می‌گفت: مگر هنوز او زنده است؟ ده سال کافی برای مردن او نیست؟ مگر مهمانخانه ساخته‌ام؟» (سردارآبادی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۵). این رژیم به رغم داشتن نهادهای کارآمد، پایگاه‌های طبقاتی قدرتمند و پشتیبانان اجتماعی نیرومند، بنیاد مدنی استواری نداشت. کوتاه سخن اینکه، دولت پهلوی از لحاظ داشتن وسایل اجبار و زورگویی قدرتمند بود، ولی از این لحاظ که نتوانست وسایل اجبار را بر ساختار طبقاتی و پایگاه‌های اجتماعی مبتنی کند، ضعیف بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص. ۱۸۶). با آغاز سلطنت رضاخان، مدرس زندانی شد و بعد به قتل رسید. روشنفکران بنام، مانند کمال‌الملک نقاش، فرخی، واعظ قزوینی و مستوفی الممالک، نابود شدند. ملک‌الشعراى بهار، بزرگترین شاعر کلاسیک، زندانی شد (سردارآبادی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۶). سیستم قضائی و عدلیه پهلوی به یک ابزار سرکوب و خفقان تمام‌عیار تبدیل شده بود و اصلی‌ترین نمود آن جلسات و محاکمات سیاسی بود. این جلسات و دادرسی‌ها صرفاً برای تضعیف منتقدان و مخالفان سیاسی تشکیل می‌شد.

۱-۲. مصادیق نقض اصول دادرسی منصفانه در نظام شاهنشاهی

سیستم قضائی در رژیم پهلوی، با قلب ماهیت و کارکرد اصلی خود، عملاً تبدیل به یک ابزار اصلی برای ایجاد سرکوب و خفقان گشته بود. اصلی‌ترین نمود این سرکوب در دادگاه‌ها و محاکماتی صورت می‌پذیرفت که با هر جریان فکری و سیاسی که در تعارض با اهداف حاکمیت بود، مقابله می‌نمود. این محاکمه‌ها، صرفاً نمایشی و انبوهی از موارد غیرقانونی و عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه بوده است. در ذیل، به بخشی از مهم‌ترین محاکم نمایشی در طول دوران پهلوی و مصادیق نقض اصول دادرسی منصفانه در آن پرداخته شده است.

۱-۱-۲. دادگاه ۵۳ نفر

یکی از اصلی‌ترین و پر بحث‌ترین دادگاه‌ها و محکمه‌های نمایشی که هیچ‌کدام از اصول دادرسی و موازین حقوقی در آن رعایت نشد، دادگاه معروف پنجاه‌وسه نفر است. در سال ۱۳۱۶ در یک اعتصاب دانشجویی، پلیس پنجاه‌وسه نفر از افراد روشنفکر را دستگیر می‌کند، و این دستگیر شده‌ها به گروه، «پنجاه‌وسه نفر» معروف می‌شوند. این افراد که از علاقه‌مندان به مکتب سوسیالیسم و مارکسیسم بودند، همه‌شان با استناد به قانون منع تبلیغ مرام اشتراکی محاکمه شدند و در کیفرخواستشان اتهامات دروغی نظیر ترویج افکار کمونیستی و حتی ملحدانه می‌آید. در این قسمت به بخشی از دفاعیات دکتر مرتضی یزدی می‌پردازیم که به دروغ متهم به ترویج مرام اشتراکی و اندیشه کمونیسم شده است: «بنده با تربیت اسلامی کاملی که در ایران داشتم، به برلن رفته و جراحی را به طور کامل فرا گرفتم آیا هیچ عقلی قبول می‌کند که یک طبیبی که در ماه بیش از هزار تومان استفاده می‌برد پس از این همه زحمت و تلاش، بیاید و راضی شود که دسترنج ماهیانه خود را به جیب دیگران بریزد، به‌عنوان اینکه به اشتراک اموال عقیده دارد. پس مرا دکتر یزدی نگویند و دکتر سفیه بخوانید! به خدا من مسلمان بوده و هستم و هرگز عضو فرقه کمونیست نبوده و نیستم و با این مسلک و مرام مخالف هستم» (زرینی، ۱۳۸۴، ص. ۳۸).

الف) عدم برگزاری دادگاه‌های غیرنظامی، عدم بی‌طرفی و استقلال قضات: یکی از موارد اصلی نقض دادرسی منصفانه برگزاری محاکمات در خلال دادگاه‌های نظامی

است که این از موارد نقض آشکار انصاف در رسیدگی است. در این پرونده سرپاس مختاری رئیس شهربانی وقت و از نزدیکان رضاشاه مسئول رسیدگی به این پرونده می‌شود. یکی از اصلی‌ترین موارد اقدامات و جنایات‌های او ترور آیت‌الله مدرس بود که در خواب در تبعید به سر می‌برد. مدرس را حین خواندن نماز با عمامه‌اش خفه کردند و بعد از کشتنش نوشتند: «او به تنگی نفس سینه مبتلا بوده و تا یک ساعت قبل حیات داشته که بعداً فوت نموده است (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۷، ص. ۹۸). یکی دیگر از جنایات او دستور قتل فرخی شاعر فاخر معاصر است. «روی پنجره اتاق وی را دیوار می‌کشند و بعد پزشک احمدی به عیادت وی می‌رود و به حیات وی پایان می‌دهد. این عمل به دستور مختاری انجام می‌پذیرد و این حاکی از بی‌رحمی و قساوت مردی است که در رأس نیروی انتظامی کشور قرار داشت» (مجله زمانه، ۱۳۸۴، شماره ۴۱ و ۴۲). مختاری در زمان پهلوی دوم به دلیل جنایات مرتکب شده محاکمه می‌گردد. هنگام برگزاری محاکمه او و در اثنای رسیدگی محمدرضا دستور به کوتاه کردن محاکمه می‌دهد. محمدرضا با هیچ اقدامی که خاطرات دوران اختناق پدرش را به یاد آورد موافق نبوده است (عبده، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۱۶۸).

ب) شکنجه: یکی از افراد بازداشت شده و حاضر در این گروه بزرگ علوی نویسنده سرشناس معاصر است که تألیفات و کتاب‌های فاخری در حوزه ادبیات داستانی دارد او کتابی با عنوان ۵۳ نفر و درباره همین دادگاه دارد. وی شرح زندانی شدن خود و دیگر افراد را نوشته است و مصیبت‌هایی که بر ایشان و دیگران اتفاق افتاده را با داستان‌سرایی ترکیب کرده است. نویسنده در این کتاب در وصف رفتار زندانبانان اظهار می‌دارد که آنچه در زندان تحمل‌ناپذیر بوده و هر روز و هر ساعت تکرار می‌شده، توهین و شکنجه بوده است. «اگرچه در سال‌های ابتدایی زندان ورود روزنامه، کتاب، کاغذ و قلم به داخل زندان آزاد بود اما دیری نپایید که به دستور رضاخان ورود جملگی به داخل زندان ممنوع شد، اگر از سلول یک زندانی روزنامه و کتاب کشف و ضبط می‌شد، اگر مجازات مرگ فرجام آن نبود لاجرم مجازات شکنجه، شلاق و سلول انفرادی را با خود به همراه داشتیم».

ج) محرومیت از حق دسترسی به وکیل دلخواه، عدم رسیدگی علنی: او در وصف دکتر ارانی از محاکمه‌شوندگان این‌طور نوشته است: دکتر رویش به محکمه بود. او با نقد مفهوم قانون، عدم حضور هیئت منصفه، عدم علنی بودن دادگاه، وکلای مدافع از پیش تعیین شده، سانسور لایحه دفاعیات متهمان، شایستگی محکمه را به محاق تردید برد (علوی، ۱۳۳۰، ص. ۱۲۳).

۲-۱-۲. دادگاه دکتر مصدق

دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ایران، سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برکنار می‌شود و به فاصله کوتاهی حکم دستگیری وی صادر می‌شود.

الف) عدم برگزاری دادگاه غیرنظامی: محاکمات مصدق در دادگاه نظامی برگزار می‌شود. اولین اعتراضی که دکتر مصدق خطاب به هیئت رسیدگی‌کننده خصوصاً دادستان نظامی مطرح می‌سازد عدم صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده است. «تا قبل از توقیف، نخست‌وزیر بودم و اکنون هم هستم. طبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی که رسیدگی به جرایم وزرا در صلاحیت دیوان عالی کشور است، آن هم مشروط بر اینکه مجلس شورای ملی اجازه دهند، این دادگاه صلاحیت قانونی ندارد» (بزرگمهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۹).

ب) عدم صلاحیت، بی‌طرفی و استقلال قضات: در این دادگاه نظامی، قضات در قالب یک هیئت دادرسی نظامی قرار گرفته بودند درحالی‌که هیچ‌کدام تحصیلات حقوقی نداشتند. حسین آزموده در حالی به عنوان دادستان دادگاه مصدق قرار می‌گیرد که خود مصدق هنگامی که نخست‌وزیر بود، حکم دادستانی ارتش را برای او صادر کرد اما او به این بهانه که تحصیلات حقوقی ندارد از قبول آن سر باز زد (بزرگمهر، ۱۳۶۳، ص. ۷). آزموده محاکمه حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت مصدق را نیز بر عهده گرفت. وی با وجود بیماری حاد و تأیید پزشکان در مورد لزوم اجرای عمل جراحی، دستور داد او را با برانکارد از بیمارستان راهی زندان زرهی کنند و از دادگاه ارتش برای وی تقاضای صدور حکم اعدام کرد (شیفته، ۱۳۶۴، ص. ۳۹۳). دادگاه نیز که بنابر تقاضای آزموده مجرم‌نامه برگزار می‌شد، حکم اعدام را صادر کرد. همچنین آزموده با کشف سازمان نظامی حزب توده و دستگیری حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن از افراد

نظامی و غیرنظامی را بر عهده گرفت. وی با شکنجه مداوم آن‌ها، هر طور که مدنظرش بود اعتراف گرفت و عده‌ای از آنها را اعدام کرد (نورمحمدی، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۳). محاکمه رهبران فدائیان اسلام نیز بر عهده آزموده گذاشته شد. وی برای آنها به اتهام قیام مسلحانه ضد سلطنت، تحریک مردم به مسلح شدن علیه سلطنت و حمل اسلحه، تقاضای اعدام کرد و براساس آن افرادی از جمله سید مجتبی نواب صفوی تیرباران شدند (گل محمدی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۱۱۱).

ج) توهین، تهدید، شکنجه: در جریان جلسه‌های دادگاه، آزموده از هیچ دشنام و ناسازی نسبت به مصدق فروگذاری نکرد و او را یاغی، مسخره، سفاک، مجنون، حيله گر و... می خواند. به همین دلیل او مصدق را متهم به خیانت و برای او تقاضای صدور رأی اعدام کرد (بزرگمهر، ۱۳۶۷، ص. ۶۰۲). او بارها مصدق را تهدید به غیرعلنی برگزار کردن دادگاه کرد، و مصدق هم که ترس از بی خبری مردم در صورت غیرعلنی برگزار شدن دادگاه داشت در خیلی از موارد و بیانات، ملاحظه و احتیاط کرد. «چند بار در هر دو دادگاه بدوی و تجدیدنظر نظامی به سری شدن محاکمه تهدید شدم، و من برای اینکه دادگاه سری نشود و مردم از جریان محاکمه بی خبر نمانند، به مصداق مالا یدرک کله، لا یتراک کله از گفتن بعضی از حقایق امساک کردم» (مصدق، ۱۳۷۹، ص. ۲۹۹).

د) عدم امکان دسترسی به وکیل: مصدق در جلسه اول گفت: دفاع نمی‌کنم. در جلسه دوم گفت: این [بزرگمهر] وکیل نیست و من، او را تعیین نکرده‌ام. به من (جلیل بزرگمهر) هم گفت: پدرسوخته باشی اگر حرف بزنی. اما سرانجام بزرگمهر، او را مجاب کرد که با تقسیم کار، دفاعیات را ارائه دهند (نجاتی، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۸).

ه) عدم امکان فرجام‌خواهی: از دیگر موارد نقض اصول دادرسی منصفانه در این مورد، عدم ارجاع پرونده به دیوان عالی کشور با وجود درخواست مصدق بوده است. مصدق پس از اعلام رأی دادگاه تجدیدنظر درخواست فرجام‌خواهی کرد و لایحه فرجامی خود را تسلیم دیوان عالی کشور نمود (متولی حقیقی، ۱۳۸۷). سرانجام پس از بیست‌وسه ماه از تاریخ صدور حکم دادگاه تجدیدنظر، دادستان ارتش بدون ذکر دلیل و یا توضیح خاصی رأی دادگاه تجدیدنظر را تأیید کرد (بزرگمهر، ۱۳۶۷، ص. ۳۱۱).

۲-۱-۳. محاکمه شهید نواب صفوی

محاکمه شهید نواب صفوی، یکی از پرمناقشه‌ترین دادگاه‌های رژیم پهلوی است که انبوهی از نقض اصول دادرسی منصفانه در آن مشاهده می‌گردد. شهید نواب صفوی همان فردی است، که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اولین جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی در وجود ایشان توسط این شهید ایجاد شده بود، وی بعد از ترور نافرجام حسین علاء نخست‌وزیر وقت دستگیر می‌شود.

الف) عدم وجود هیئت منصفه، غیرعلنی بودن محاکمات، عدم بی‌طرفی و استقلال قضات و...: دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم انتسابی شهید نواب صفوی و یارانش دادگاهی وابسته و نظامی بوده است. قضات رسیدگی‌کننده تماماً افرادی وابسته و بی‌سواد بودند. عدم وجود هیئت منصفه، عدم مستند بودن به قانون، و به کلی سری بودن محاکمه از جمله موارد اصلی نقض دادرسی در این رسیدگی بوده است. حسین آزموده دادستان نظامی در ظرف بیست روز برای شهید نواب و هم‌زمانش حکم اعدام صادر می‌کند.

ب) عدم امکان فرجام‌خواهی: دفاعیات مفصل و مستدل فداییان اسلام در دو مرحله محاکمه فرمایشی، هرگز در رسانه‌ها انعکاس نیافت، و جرایم در زیر فشار فرمانداری نظامی، تنها به درج اخبار کاذب و کوتاهی که توسط اداره دادرسی ارتش تنظیم شد، بسنده کردند. سرانجام دادگاه تجدیدنظر، حکم دادگاه بدوی یعنی اعدام را تأیید کرد. محکومان، فرصت فرجام‌خواهی داشتند، اما عوامل رژیم از ادامه همین یک روز هم بیمناک بودند و فردای آن روز حکم اعدام آنان را از شاه دریافت کردند (مجله شاهد یاران، ۱۳۸۴).

ج) شکنجه: در جلسات رسیدگی و محاکمه آمران قتل شهید نواب و هم‌زمانش مشخص گردید، که تمامی آنان به بدترین شکل ممکن قبل از اعدام شکنجه شده‌اند.



احمد عباسی تهرانی از اعضای فدائیان اسلام در جلسه محاکمه سپهبد محمدتقی مجیدی این طور تعریف می‌کند: بله، آثار شکنجه هم به دست من هست، آثار بطری هم هست و خجالت نمی‌کشم، می‌توانید دکتر بیاورید بعد از بیست و چند سال گواهی کند. وقتی آمدیم، ما را به زندان‌های زمهریر سرد انداختند، چندتای آنها توالت سابق بود که با خاک پر کردند و ما را توی آن انداختند (شرح دادگاه سپهبد مجیدی را به روایت کیهان؛ پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۵۸).

۱-۲-۴. محاکمه قیام‌کنندگان ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد، تجمع و راهپیمایی مردم ایران در اعتراض به دستگیری امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بود. تظاهرات در قم، تهران و ورامین به خشونت کشیده می‌شود.

الف) عدم مستند بودن به قانون، عدم بهره‌مندی از حقوق دفاعی، شکنجه: در پی این اعتراض برخی از تظاهرکنندگان دستگیر و با ایجاد یک دادگاه نظامی که از افراد و اعضای وابسته تشکیل شده بود محاکمه می‌شوند. این دادگاه که شامل نقض عناوین دادرسی منصفانه نظیر عدم مستند بودن به قانون، عدم بهره‌مندی به حقوق دفاعی، شکنجه، عدم بی‌طرفی و استقلال قضات و... بود افراد را به احکام سنگینی نظیر اعدام و حبس ابد محکوم کرد. در احکامی برای طیب حاج رضایی و اسماعیل حاج رضایی که از جمله افراد حاضر در قیام ۱۵ خرداد بودند حکم اعدام صادر می‌شود. دکتر مهدی صابونچیان، معاون وقت خبرگزاری آلمان در ایران، یکی از

معدود افرادی است که افزون بر آشنایی طیب حاج‌رضایی، در دادگاه او حضور داشته است این‌طور تعریف می‌کند: محاکمه طیب با سپهد مجیدی بود؛ دادگاه نظامی هم بود. مدتی از اجرای حکم اعدام طیب می‌گذشت که یک روز او را ملاقات کردم. از مجیدی پرسیدم: تیمسار چرا طیب را این‌قدر سریع و بدون درنگ اعدام کردید؟ مجیدی خودش به من گفت که در این ماجرا آمریکایی‌ها هم دست داشتند. آنها می‌گفتند: ما می‌خواهیم در ایران سرمایه‌گذاری کنیم و می‌خواهیم سرمایه‌گذارانمان را به ایران بفرستیم، اما اینها نمی‌گذارند (در گفت‌و شنود با یک شاهد عینی؛ دکتر مهدی صابونچیان، معاون وقت خبرگزاری آلمان در ایران).^۱

۲-۱-۵. محاکمه آیت‌الله طالقانی و سران نهضت آزادی

آیت‌الله طالقانی به اتهام تهیه و تنظیم و نشر اعلامیه به منظور تحریک قوای نظامی و انتظامی و تهیه و نشر اعلامیه به منظور اهانت به مقامات عالی‌رتبه کشور بازداشت می‌شود. نهضت آزادی اعلامیه شدیداللحنی با عنوان «دیکتاتور خون‌می‌ریزد» منتشر کرده بود و رژیم، آیت‌الله طالقانی را مسبب اصلی این اعلامیه می‌دانست. اعلامیه‌ای که پرونده نهضت آزادی را سنگین کرده بود.^۲

الف) عدم برگزاری دادگاه غیرنظامی: دادگاه آیت‌الله طالقانی و اعضای نهضت آزادی همچون مهندس بازرگان، در سال ۱۳۴۲ با رسیدگی در یک دادگاه نظامی آغاز شد. نتیجه دادگاه‌های تجدیدنظر تأیید احکام دادگاه‌های بدوی بود. در پی بالا گرفتن فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله طالقانی، به ویژه همکاری با جبهه ملی، نهضت آزادی و حرکت روحانیون، رژیم شاه تصمیم گرفت سران این حرکت را به محاکمه و مجازات برساند (یاحسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷).

ب) عدم دسترسی به وکیل: دکتر مهدی جعفری خاطره خود را از محاکمه چنین توضیح می‌دهد: «شهریور ۱۳۴۲ بود که روزی ما را به عشرت‌آباد خواستند و گفتند که به زودی دادگاه شما تشکیل می‌شود (یاحسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷). ده - دوازده نظامی واقعاً از جان گذشته و کالت ما را به طور افتخاری پذیرفتند (یاحسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۸).

ج) **عدم صلاحیت و استقلال قضات، غیر علنی بودن رسیدگی‌ها:** این دادرسی‌ها که به دادگاه نظامی بدوی شهرت یافت، تحت کارگردانی نظامیان و به طور مشخص افسران ویژه گارد شاهنشاهی صورت پذیرفت. ویژگی این افراد فقدان تجربه یا تخصص قضائی لازم بود. دادگاه به ظاهر به صورت نیمه علنی برگزار می‌شود. مطبوعات و رسانه‌های دولتی حق انتشار اخبار مربوط به آن را نداشتند. اما ده‌ها نفر تماشاچی می‌توانستند در صحن دادگاه حضور یابند (ملائی توانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۶).

جلسه دوم بلافاصله به داخل پادگان انتقال یافت؛ محلی که گنجایش حداکثر سی نفر تماشاچی را داشت و ورود علاقه‌مندان با تنگناهای فراوان از جمله درخواست شناسنامه، بازرسی و همچنین ثبت‌نام روبه‌رو شد (ملائی توانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰). ظاهراً این ثبت مشخصات برای ورود به دادگاه به منظور شناسایی و تعقیب افراد حاضر در دادگاه صورت می‌پذیرفته است. متهمان پس از روبه‌رو شدن با تغییر ناگهانی محل دادگاه و همچنین ممنوعیت انتشار مذاکرات آن که از سری بودن کامل جلسات دادگاه حکایت داشت خواستار برگشت دادگاه به محل سابق و انتشار اخبار دادگاه در نشریات شدند. اما با پاسخ منفی رئیس دادگاه آنها اعلام سکوت کرده و همه وکلای خود را عزل کردند (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۶۳، ص. ۴۶).

د) **عدم حضور هیئت منصفه، عدم امکان فرجام‌خواهی:** وکلای مدافع ابتدا صلاحیت دادگاه را زیر سؤال بردند و از فقدان هیئت منصفه شکوه کردند. نقایص پرونده و تخلفات صورت پذیرفته و عدم صلاحیت برای محاکمه یک روحانی طراز اول (طالقانی) و سی فقره دیگر را مطرح ساختند که دادستان این ایرادات را به هیچ وجه وارد ندانست و با تقاضای وکلای مدافع مبنی بر حضور هیئت منصفه و سایر موارد مخالفت ورزید (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۶۳، ص. ۴۶). جریان دادرسی متهمان به صورتی که مدنظر رژیم بود، ادامه یافت. اجازه ضبط و انتشار مطالب یا چکیده‌ای از آنها به متهمان داده نمی‌شد تا مبدا هواداران آنها در جریان مدافعات آنها قرار بگیرند (اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱، ص. ۴۴۲).

پس از صدور حکم قطعی، متهمان با استناد به آنچه در دادگاه گذشته بود و عدم

رعایت اصول و برخی از قوانین دادرسی از جمله عدم حضور هیئت منصفه، نقض تحقیقات در کلیه پرونده‌ها و مراحل بازجویی و بازپرسی، غیرقانونی بودن و عدم صلاحیت دادگاه، خروج رئیس دادگاه از موضع بی‌طرفی و موارد متعدد دیگر، تقاضای فرجام کردند که تأثیری در سرنوشت‌شان نداشت.^۳

۲-۱-۶. موارد نقض دادرسی منصفانه نسبت به رهبر معظم انقلاب

در آستانه برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، ساواک مأمور بود که انتقادهای را سرکوب و سازهای ناکوک را خاموش کند. برای همین و به قصد پیشگیری، ساواک افراد سابقه‌دار در اقدام علیه حکومت را تحت مراقبت قرار داد که نام آیت‌الله خامنه‌ای هم در فهرست مظنونین وجود داشت. ایشان را بازداشت کردند و به انفرادی بردند: «تا آن روز اتاقی به آن کوچکی ندیده بودم. هیچ منفذ و روزنه‌ای نداشت. تاریکی مطلق بر همه جای آن سایه افکنده بود. ساکن آن از دیدن نور محروم بود (بهبودی، ۱۳۹۰، ص. ۴۳۸).

بازجوها با استفاده از تازیانه و شکنجه‌های عذاب‌آور، سعی در تحقیر و اعتراف‌گیری از ایشان داشتند: «ناگهان سیلی محکمی بر چهره آقای خامنه‌ای زد. تعادلش به هم خورد، اما خیلی زود خودش را جابه‌جا کرد تا به حالت اول بازگردد که ضربه دوم از راه رسید و او را روی تخت کنار دستش انداخت. می‌خواست برخیزد که یکی از آنها تشر زد: بمان. خوب جایی افتادی! پاهایش را به تخت بستند. آن روبه‌رو، تازیانه‌ها از سینه دیوار آویزان بودند... یکی از آنان تازیانه‌ای برداشت و کف پایش را نشانه گرفت. شروع کرد به زدن... برخی از اینان تازیانه را خیس می‌کردند و آن را بر بدن زندانی فرومی‌آوردند (بهبودی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹۵). به روایت آیت‌الله خامنه‌ای، گاهی هم «در طول مدت شکنجه، یکی از آنها بالای سرم می‌آمد و از من می‌خواست تا از فلان کس یا از نهضت اسلامی بیزار می‌جویم. من قبول نمی‌کردم و آنها هم آنقدر مرا می‌زدند تا بی‌هوش می‌شدم» (بهبودی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹۵).

۲-۲. موارد محکومیت‌های حقوق بشری رژیم پهلوی توسط مراکز و نهادهای بین‌المللی

اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تاریخ سازمان ملل در فروردین ۱۳۴۷ در تهران برگزار می‌شود. این کنفرانس در حالی با حضور محمدرضا پهلوی در تهران برگزار

می‌شود که این مواردی که به اختصار مورد اشاره قرار گرفت تنها جزئی از سلب آزادی‌های فردی و شهروندی به حساب می‌آید. محمدرضا پهلوی در حالی لوح کوروش کبیر را پایه‌ای برای اعلامیه جهانی حقوق بشری می‌داند که عوامل تحت اختیارش در ساواک به شدیدترین شکل ممکن آزادی‌خواهان و منتقدان رژیم را شکنجه می‌کنند.

در ۱۷ شهریور ۱۳۵۵، کمیته فرعی کنگره آمریکا در روابط بین‌الملل جلسه مهمی در رابطه با سوءاستفاده از وضعیت حقوق بشر در ایران برگزار کرد. طیفی از اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و چهره‌های مخالف در برابر کنگره ظاهر شدند و علیه شاه شهادت دادند و با استفاده از موقعیت، به روشنی راجع به شکنجه‌هایی که در ایران صورت می‌گرفت، سخن به میان راندند. این در حالی بود که حقوق جزای ایران کاربرد شکنجه را ممنوع کرده بود (گررو، ۱۳۹۷، ص. ۷۹). دولت‌ها و سازمان‌های خارجی محمدرضا پهلوی را در فشار قرار دادند تا نظارت‌های پلیسی را تعدیل کند. در اواخر سال ۱۳۵۴، سازمان عفو بین‌المللی مستقر در لندن که در گذشته بیشتر به مسائل و مشکلات زندانیان سیاسی بلوک شرق می‌پرداخت، به سراغ کشورهای غیرکمونیزم رفت و پی برد که ایران یکی از «بزرگ‌ترین نقض‌کنندگان حقوق بشر» در جهان است. نهاد محافظه‌کار کمیسیون بین‌المللی قضات در ژنو نیز رژیم پهلوی را به «شکنجه دادن زندانیان» و «نقض حقوق مدنی شهروندان خود» متهم کرد. همچنین کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر وابسته به سازمان ملل، در نامه سرگشاده‌ای به شاه، رژیم را به نقض شدید حقوق بشر متهم می‌کند و از وی می‌خواهد تا «وضعیت اسفناک حقوق بشر را در ایران اصلاح کند (آبراهامیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۱۵).

برای استحضار نشست وزیر

نیویورک خبرگزاری پارس

مطلب زیر خبری است پیرامون شکنجه مخالفان سیاسی در ایران که در شماره ۲۶ نوامبر ۱۹۷۶ روزنامه واشینگتن پست درج شده است. عنوان این خبر چنین است / ایران به شکنجه مداوم متهم است / در گزارشی که از طرف سازمان عفو بین المللی انتشار یافت ادعا شده است بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر بخاطر دلایل سیاسی در ایران زندانی شده اند و هم چنین پلیس مخفی ایران به هنگام باز جوش انسان را زیر شکنجه مداوم قرار می دهد.

در گزارش مذکور گفته شده است سرکوبی مخالفان سیاسی بعهده ساواک / پلیس مخفی ایران / است که با بی رحمی شدید انجام میگیرد پلیس مخفی ایران دارای یک سیستم خبر چینی است که مأموران آن در تمام سطوح جامعه ایران نفوذ دارند و بنا به گفته مسافران که از ایران آمده اند وهم چنین تاکید مخالفان رژیم ایران در خارج کشور ساواک فضای امنیخته از رعب و وحشت ایجاد کرده است. سازمان عفو بین المللی در گزارشی تحقیقی یازده

صفحه از خود در باره ایران گفته است فعالیت های ساواک در خارج از مرزهای ایران و در تمام کشورهای که اجتماعات ایرانی در آن قابل ملاحظه است گسترش دارد.

سازمان عفو بین المللی که سازمانی است راجع به حقوق بشر و مرکز آن در لندن قرار دارد در گزارشی خود متذکر شده است روحانیون هنرمندان و اساتید دانشگاه وهم چنین مسلمانان و کردها ناراضی

جزء این زندانیان هستند.

۲۱۷۰۰۰۴۵

جزء این زندانیان هستند.

شاه ایران گفته است حکومت ۳۰۰۰ زندانی دارد که به اتهامات تروریستی متهم بوده و با فعالیت‌ها و بی‌کفایتی‌ها و دیگر خشونت‌ها و چریک‌ها و شمر ارتباط داشته‌اند.

در گزارش سازمان عفو بین‌المللی هم چنین گفته شده است از آغاز سال ۱۹۷۲ تا کنون دادگاه‌ها و نظامی ایران ۳۰۰ زندانی سیاسی را به مرگ محکوم ساخته‌اند در ۶ ماه اول سال ۱۹۷۶ دولت ایران اعدام ۲۲ زندانی سیاسی را اعلام داشته است.

گزارش مذکور ساواک را متهم می‌سازد که قتل از وارد کردن اتهام و انجام محاکمه مظنونین سیاسی را برای دوره‌ها طولانی در زندان‌ها و مجرد تکمیل دارد و با شکنجه مداوم که گاهی منجر به مرگ می‌شود و هم چنین با اعدام‌ها و سرچشمی‌ها و حقوق بشر را نقض می‌کند.

در گزارش مزبور گفته شده است ساواک با تکنیک‌ها و روش‌ها مثل زدن شلاق شوک‌ها و الکتریکی سکشیدن ناخن‌ها و شکنجه و شکنجه با سنجاق به عذوبت و شکنجه‌ها و تناسلی مظنونین سیاسی را شکنجه می‌کند. در ماه مه گذشته کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان که مرکز آن در ژنو قرار دارد طی انتشار گزارش ساواک را متهم ساخت که با استفاده از وسائل فیزیکی و روانی نسبت به زندانیان سیاسی شکنجه‌ها و سیستماتیک اعمال می‌دارد.

کمیسیون مزبور مرکب از حدود ۱۵۰۰۰ قاضی حقوق‌دان و استادان حقوق

می‌باشد. خلاصه این خبر در شماره ۲۱ نوامبر کریسپین ساینس و شماره ۲۱ نوامبر کازت چاپ مونترال نیز آمده است.

دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل - آرتین انالز - در سال ۱۹۷۴، رژیم ایران را به دلیل نقض مستمر و همه‌جانبه حقوق بشر متهم و به‌صراحت اعلام کرد بدترین و سنگین‌ترین پرونده نقض حقوق بشر در میان همه کشورهای جهان به ایران تعلق دارد (روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۲، ص. ۶).

دیگر نهاد بین‌المللی با نام کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان در ژنو، که از سازمان عفو بین‌الملل محافظه‌کارتر بود، رژیم شاه را به استفاده مداوم از شکنجه و تجاوز به اساسی‌ترین حقوق مدنی اتباع خود متهم کرد. علاوه بر آن‌ها، انجمن بین‌المللی حقوق بشر، وابسته به سازمان ملل متحد در نامه‌ای سرگشاده به شاه، رژیم پهلوی را به نقض شدید حقوق بشر متهم کرد و از او خواست که به وضعیت اسفبار حقوق بشر در ایران سروسامان دهد (روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۲، ص. ۶). عفو بین‌الملل در گزارشی به طرح این مطلب پرداخت که مخالفان نظام سلطنتی در زندان ساواک با شلاق و کتک و شک برقی و کشیدن ناخن و تجاوز روبه‌رو هستند. این نهاد بین‌المللی مسئول اصلی این جنایات را سازمان اطلاعات و امنیت کشور یا همان ساواک می‌داند که به همراه دادگاه‌های نظامی ناقضان اصلی حقوق بشر در ایران هستند. آنها بر این باور بودند که پلیس مخفی ایران دارای یک شبکه خبرچینی است که در میان آحاد جامعه ایرانی رخنه و نفوذ کرده و کوچک‌ترین تحرکات را گزارش می‌کند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، منتشره در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۶، کد خبر ۱۷۰۳).

از نهادهای دیگر حقوق بشری که نسبت به روند تحولات در ایران به خصوص در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی واکنش نشان داد اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۳۵۶ بود. این اتحادیه طی تلگرافی به شاه نگرانی خود را از وضعیت نابسامان آزادی‌های سیاسی در ایران ابراز نمود و از دولت ایران خواست به وضعیت حقوق بشر در کشور سروسامان دهد. اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر همچنین طی تماسی با وزیر امور خارجه آمریکا و شخص کارتر، رئیس‌جمهور وقت این کشور، وضعیت حقوق بشر در ایران را نگران‌کننده توصیف کرد و از کارتر خواست که به حمایت‌های بی‌قید و شرطش از شاه پایان دهد. دولت آمریکا و نماینده وزارت امور خارجه این کشور در امور ایران نیز در پاسخ گفت که رئیس‌جمهور کارتر در سیاست خارجی بیشترین اولویت را به بحث حقوق بشر می‌دهد و تلاش می‌کند بیشترین توجه خود را به این

امر معطوف سازد. وزارت امور خارجه آمریکا در عین حال بر این امر تأکید کرد که در پی تلاش‌های دولت آمریکا وضعیت حقوق بشر در ایران نسبت به گذشته بهبود یافته است و تغییرات امیدوارکننده‌ای به خصوص در زمینه قوانین کیفری صورت پذیرفته است. اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر پاسخ دولت آمریکا را قانع‌کننده ندانست و محکومیت اشخاصی همچون آیت‌الله طالقانی، هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله منتظری را موارد عینی نقض حقوق بشر عنوان کرد (یزدی، ۱۳۹۷، ص. ۴۴۲).

به تعبیر آبراهامیان در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵، یعنی دوران آغاز و اوج‌گیری مبارزه مسلحانه علیه شاه، ۴۵ نفر از چریک‌های وابسته به گروه‌های مختلف زیر شکنجه کشته شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ص. ۴۳۵). نکته قابل توجه در این بین این است که قربانیان اعدام، قتل، شکنجه و خشونت تنها مخالفان و منتقدان نبودند، بلکه بسیاری از هنرمندان، نویسندگان و افراد شاخص مذهبی نیز قربانی این خشونت‌ها می‌شدند.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ حکومت‌هایی که به اصول انصاف در دادرسی پایبند نبوده‌اند و اسباب ظلم و تجاوز به حقوق انسان‌ها را فراهم کرده‌اند، منافع و بقای خود را، در سرکوب‌های خشن و نقض حقوق بنیادین یافته‌اند. در تاریخ ایران می‌بینیم که در ساختارهای حقوقی - قضائی، قانون در عمده موارد از روشی پیروی کرده است که به این اصول و موازین پای‌بندی نشان داده است و با توجه به سهم گسترده منابع دینی در متون حقوقی و تأکید دین اسلام بر رعایت حقوق طرفین، اصول دادرسی منصفانه از حیث بستر قانونی از قوت و استحکام مناسبی در بسیاری از موارد برخوردار بوده است. با بررسی‌های صورت پذیرفته در این پژوهش نیز، این موضوع مشخص گردید که در عمده قوانین این موازین و اصول به رسمیت شناخته شده‌اند، و الزام به رعایت این اصول، در مواد مختلف قانونی پیش‌بینی شده است اما ریشه اصلی این معضل و عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه به دولت‌های وابسته و حکومت‌های سرکوب‌گر باز می‌گردد. در بررسی عملکرد رژیم پهلوی شاهد این بودیم که عملکرد آن، با قوانین منطبق نبوده است و موارد نقض در تعارض با قوانین مختلف بوده است. رژیم پهلوی علی‌رغم تمام اقداماتی که به ظاهر با هدف رشد و توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

ایران انجام داد، در عمل چیزی جز تأمین منافع و بقای خود و برخی از کشورهای استعمارگر نداشت و در ساحت امنیت اجتماعی و عدالت قضائی ضعیف‌ترین کارنامه را در طول حاکمیت‌های اخیر ایران داشته است. شکنجه، عدم دسترسی به وکیل، برگزاری دادگاه‌های نظامی و... از جمله موارد نقض دادرسی منصفانه در این سیستم است که در قالب محاکمه‌های نمایشی و مقابله با مخالفان نمود پیدا می‌کرده است.

یادداشت‌ها

1. <http://www.iichs.ir/News/6852>
۲. روزنامه اعتماد: <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/156913>
۳. روزنامه اعتماد: <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/156913>

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آبراهامیان، یروان (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران* معاصر. تهران: نشر نی.
۴. آبراهامیان، یروان (۱۳۸۲). *ایران بین دو انقلاب* (ترجمه کاظم فیروزمند و حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه چی). تهران: انتشارات مرکز.
۵. آبراهامیان، یروان (۱۳۹۷). *ایران بین دو انقلاب* (ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی). تهران: نشر نی.
۶. آقای کماکلی، ملیحه (۱۳۹۸). «مطالعه بایسته‌ها و پیامدهای دادرسی عادلانه در محاکم نظامی ایران». نخستین کنفرانس ملی محیط زیست سالم و توسعه پایدار در پرتو حقوق شهروندی چالش‌ها و راهبردها.
۷. ابراهیمی، صغری (۱۳۹۰). *معیارهای دادرسی عادلانه از نظر فقه و حقوق*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). فقه و مبانی حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران: ایران.
۸. بزرگمهر، جلیل (۱۳۶۳). *مصدق در محکمه نظامی*. تهران: نشر تاریخ ایران، کتاب اول.
۹. بزرگمهر، جلیل (۱۳۶۷). *دکتر محمد مصدق و رسیدگی فرجامی در دیوان کشور*. تهران:

شرکت سهامی انتشار.

۱۰. بزرگمهر، جلیل (۱۳۷۹). ناگفته‌ها و کم گفته‌ها از دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران. تهران: نادر.
۱۱. بلاغی، سید صدرالدین (۱۳۵۸). عدالت و قضا در اسلام. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۲. بهادری جهرمی، علی و حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳). «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی». مطالعات حقوق بشر اسلامی. سال سوم، (۷)، صص. ۳۲-۹.
۱۳. بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۰). شرح اسم: زندگی نامه آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۴. پرادل، کورستنز و فرملن (۱۳۹۳). حقوق کیفری شورای اروپا (ترجمه محمد آشوری). تهران: انتشارات خرسندی.
۱۵. تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت آزادی (۱۳۶۳). نهضت آزادی، جلد اول.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۷. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۷۵). دانشنامه حقوق. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. تهران: نشر اسراء.
۱۹. داداش‌نژاد، داوود و ذاکری، مریم (۱۳۹۴). «حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق ایران و بین‌الملل». همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، تهران.
۲۰. رستمی، ولی؛ لطفی، حسن و آقایی طوق، مسلم (۱۳۸۸). دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران. تهران: گرایش.
۲۱. زرینی، حسین (۱۳۸۴). «سندی نویافته از «پنجاه و سه نفر»». مجله زمانه، سال چهارم، (۳۸).
۲۲. سالاری، حدیثه و تاج‌الدینی، معصومه (۱۳۹۵). «تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری در پرتو اصول دادرسی عادلانه». فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه. ۲(۱)، صص. ۵۵-۴۹.
۲۳. سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۷۹). موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضا شاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۸). پلیس خفیه ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹: مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی. تهران: ققنوس.
۲۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۱). «اصل تناظر». مجله تحقیقات حقوقی، (۳۵ و ۳۶)، صص. ۸۶-۵۹.

۲۶. شمس، عبدالله (۱۳۸۵). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: انتشارات دراک.
۲۷. شیفته، نصرالله (۱۳۶۴). *زندگی‌نامه و مبارزات سیاسی دکتر فاطمی*. تهران: آفتاب حقیقت.
۲۸. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (بی‌تا). *العروة الوثقی*. بی‌جا: بی‌نا.
۲۹. عباسی، بیژن (۱۳۹۰). *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. تهران: انتشارات دادگستر.
۳۰. عبده، جلال (۱۳۶۸). *خاطرات جلال عبده، چهل سال در صحنه قضایی سیاسی و دیپلماسی ایران*. تهران: رسا.
۳۱. علوی، بزرگ (۱۳۳۰). *پنجاه و سه نفر*. تهران: انتشارات نگاه.
۳۲. عیسی‌زاده، بهنام (۱۳۹۷). «اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در حقوق بین‌الملل». *اولین همایش بزرگ مطالعات و پژوهش‌های علمی علوم انسانی*.
۳۳. غمامی، سید محمد مهدی و آقای طوق، مسلم (۱۳۹۱). «تحول حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲ میلادی». *بررسی‌های حقوق عمومی*، (۱)، صص. ۲۲-۱.
۳۴. فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷). *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳۵. قربان‌پور، امیرمهدی (۱۳۸۲). «شاخصه‌های عدالت در دادرسی و نظام قضائی کنونی ایران». *مجله اندیشه صادق*، (۱۱ و ۱۲).
۳۶. گرو، خاویر (۱۳۹۷). *دولت کارتر و فروپاشی دودمان پهلوی* (ترجمه غلامرضا علی بابایی). تهران: کتاب پارسه.
۳۷. گل محمدی، احمد (۱۳۸۲). *جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد ساواک*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۸. متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۷). «تأملی در محاکمه و دفاعیات دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی رژیم پهلوی». *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال سوم، ۳(۱۱)، صص. ۱۹۱-۲۰۴.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۱). *عدل الهی*. تهران: صدرا.
۴۰. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۹). *زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی*. تهران: نشر نی.
۴۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۲). *نظام بین‌المللی حقوق بشر*. تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
۴۲. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۶). *مصدق سالهای مبارزه و مقاومت*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۴۳. نورمحمدی، قاسم (۱۳۹۱). *جاسوسی در حزب (برادران یزدی و حزب توده - ایران)*. تهران: جهان کتاب.

۴۴. ویژه، محمدرضا و کتابی رودی، احمد (۱۳۹۳). «حدود صالحیت دیوان عدالت اداری در انتصاب مدیران مؤسسات عمومی غیر دولتی: مطالعه موردی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، (۶۵)، صص. ۱۸۱-۲۰۴.
۴۵. یاحسینی، قاسم (۱۳۸۹). *همگام با آزادی، خاطرات شفاهی دکتر مهدی جعفری*. تهران: صحیفه خرد.
۴۶. یاران امام به روایت اسناد ساواک، طالقانی (۱۳۸۱). مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۴۷. یآوری، اسدالله (۱۳۸۳). «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین». *فصلنامه حقوق اساسی*، ۲(۳).
۴۸. یزدی، ابراهیم (۱۳۹۷). *شصت سال صبوری و شکوری*. تهران: کویر.

49. Chroust, Anton-Hermann (1942). "Aristotle's Conception of Equity (Epieikeia)". *Notre Dame Law Review*, Vol. 18, Iss 2, 3.
50. Falcon Y. & Tella, M. J. (2008). *Equity and Law, Translated into English by Peter Muckley*. Leiden, Boston: Martinus Nihoff, 1st Edition.
51. Iudica, Giovanni (2013). "Ex Aequo et Bono. Three Cases of Arbitration, and Some Remarks About Equity". *NAT, L Italian American Bar Journal*, Vol. 21: 37.
52. Srivastava, D. (2014). "Article 38 (1) of ICJ and sources of International Law".

وبسایت‌ها

۱. روزنامه کیهان
۲. روزنامه اعتماد
۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، منتشره در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۶، کد خبر ۱۷۰۳